

فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال اول، شماره اول، بهار ۹۴، صفحات ۶۷-۹۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۰۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۱

مطالعه بین نسلی سبک مدیریت بدن دختران و مادران شهر یزد

اکبر زارع شاه آبادی^۱

مریم طاهر^۲

چکیده

پیدایش ارزش‌ها و نگرش‌های جدید در جوامع کنونی به علت توسعه فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات و تنوع روزافزون کالاها و خدمات و ... موجب تفاوت تجارب نسل فعلی با نسل قدیم و کاهش میزان بازتولید ارزش‌های اجتماعی در جامعه جدید می‌گردد. مطالعه حاضر در پی بررسی تفاوت سبک مدیریت بدن در بین مادران و دختران شهر یزد و بررسی عوامل مؤثر بر آن بر اساس نظریه‌های بوردیو و اینگلهارت است. این تحقیق با روش پیمایش مقطعی و با ابزار پرسش‌نامه انجام گرفته است. نمونه مورد مطالعه از میان زنان شهر یزد با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین گردید که با روش نمونه‌گیری دو مرحله‌ای، ۱۹۲ مادر و ۱۹۲ دختر مجرد آنها جهت تکمیل پرسش‌نامه انتخاب شدند. نتایج نشان‌دهنده تفاوت بین الگوی مدیریت بدن در بین دختران و مادران است. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان می‌دهد دو متغیر نسل و سرمایه فرهنگی، ۴۰ درصد از تغییرات مدیریت بدن پاسخ‌گویان را تبیین می‌کند. در مجموع به نظر می‌رسد که مدیریت بدن مادران به الگوی سنتی و مدیریت بدن دختران به الگوی تلفیقی از سنتی و مدرن متمایل است.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، تفاوت بین نسلی، سرمایه فرهنگی، مدیریت بدن.

a_zare@yazd.ac.ir

maryam.taher61@gmail.com

۱ - دانشیار دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)

۲ - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

مقدمه

برخلاف گذشته که جوامع کمتر در معرض تغییر بوده و پسران مانند پدران و دختران مانند مادران فکر و رفتار می‌کردند، امروزه، در عصر تحولات پرشتاب اجتماعی و تغییرات سریع فرهنگی، تفاوت‌های بین نسلی در نگرش‌ها منجر به ایجاد شکاف و فاصله بین نسل‌ها شده و باعث گردیده که هر نسل شیوه زندگی متفاوتی پیدا کند که با شیوه‌های زندگی نسل قبلی متفاوت است. البته این موضوع امری عادی و اجتناب‌ناپذیر است و تنها در صورتی که از حد فراتر رود تبدیل به مسأله‌ای اجتماعی گردیده و ممکن است انسجام جامعه را به خطر اندازد.

تحولات چشم‌گیر در عرصه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات از قبیل تلویزیون، روزنامه‌ها، اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای و ... که با انتشار و تبلیغ تصویرهای جدید سبک زندگی، نقش مهمی در جامعه‌پذیری جوانان داشته و موجب شکل‌گیری سبک‌های متفاوت زندگی و خصوصاً الگوی جدید مدیریت بدن می‌گردد، افراد را از یکدیگر متمایز کرده و تفاوت‌هایی را در میان دو نسل به وجود آورده است.

علی‌رغم کنترل سیاست‌گذاران و متولیان فرهنگی جامعه و تلاش بسیار نهادهای جامعه‌پذیرکننده در جهت پرورش دختران و پسران ایرانی بر اساس معیارها، ارزش‌ها و هنجارهای سنتی و اسلامی، برخی از جوانان ایرانی تعریف دیگری از هویت، بهنجار بودن و زندگی مطلوب دارند که گاه با هنجارها و ارزش‌های رسمی جامعه فاصله دارد (ذکایی و پورغلام آرانی، ۱۳۸۴: ۲).

در دهه‌های اخیر بر اساس تغییرات فرهنگی، اجتماعی، تکنولوژیکی و به‌ویژه

تحت تأثیر تحولات پدید آمده، سبک زندگی تغییراتی داشته است که خود منجر به تغییر موقعیت زنان گردیده است. در اثر دگرگونی‌هایی که در سطح جهانی و ملی رخ داده، نقش زنان در نهاد خانواده و نهادهای شغلی، تغییرات قابل توجهی داشته است و دیگر زیست جهان زنان ایرانی، زیست جهان سنتی نیست اگرچه مقاومت‌هایی برای حفظ نگرش سنتی و پایبندی زنان به خانواده و تعریف هویت خود در ارتباط با زندگی خانوادگی وجود دارد. در این دوگانگی متضاد که خود نتیجه گذار جامعه از سنت به مدرنیته و عدم ثبات ارزش‌ها و هنجارهای موجود است، در سطح اجتماعی نگرش‌های نوینی به وجود آمده است (محمدی، ۱۳۸۶: ۲۶۲-۲۶۱).

باید پذیرفت که در دنیای امروز نگرش زنان نسبت به موقعیت خود و هویت اجتماعی‌شان تغییر کرده است. از میان مهم‌ترین دلایلی که موجبات این تغییر نگرش را به وجود آورده است، افزایش تحصیلات عالی در میان زنان و ورود بیشتر آنها در صحنه اجتماع و در جایگاه‌های شغلی متفاوت است. از سوی دیگر می‌توان به نقش پررنگ رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای اشاره نمود که زنان را با شیوه‌های مختلف زندگی و ارزش‌ها و نگرش‌های جدید آشنا کرده و به نوعی به آنها هویتی متفاوت از گذشته داده‌اند و زنان ایرانی که در گذشته بیش از خود به خانواده و فرزندان خود اهمیت می‌دادند، امروزه در کنار خانواده به سلامتی، زیبایی و خوشبختی خود نیز ارزش قائلند و به دنبال هویتی مستقل برای خویش هستند.

در دنیای جدید، برخی از انواع نمادهای ظاهری و کردارهای بدنی اهمیت خاص یافته‌اند که امکان استفاده از این وسیله معمولاً به آسانی فراهم نمی‌شده یا اصولاً مطلوب نبوده اما امروزه اهمیت یافته است. از آن جا که به گفته گیدنز «نمای ظاهری،

به صورت یکی از عناصر مرکزی طرحی درآمده است که اشخاص به طور بازتابی از خود ارائه می‌دهند» پس ما بیش از پیش مسئول طراحی بدن‌های خویش می‌شویم و هرچه فضای فعالیت‌های اجتماعی ما از جامعه سنتی بیشتر فاصله گرفته باشد، فشار این مسئولیت را بیشتر احساس می‌کنیم (گیدنز، ۱۳۸۷ به نقل از ابراهیمی و بهنوئی گدنه، ۱۳۸۹:۱۶۱).

مسئله زیبا بودن و یا زیباتر شدن در جوامع گوناگون از مسایل جدی و تأمل برانگیز بوده و در فرایند انتخاب‌های مردم نقشی مهم داشته است. این مسئله مرتبط با دوران جدید نیست، بلکه معنای آن و شکل و ابزارهای آن دگرگون شده است. ایده زیبایی، ایده‌ای فرهنگی است و شاخص و بیانی از ارزش‌ها و باورهای اجتماعی است (Reischer & koo, 2004). بنابراین، دور از ذهن نیست که افراد برای زیباتر نشان دادن خود و تأثیرگذاری بر دیگران از راه مدیریت بدن به تقاضای فرهنگی جامعه خود نیز پاسخ دهند (خواجه نوری و همکاران، ۱۳۹۰:۳۳).

علاوه بر عوامل مطرح شده، به نظر می‌رسد که ویژگی‌های فرهنگی افراد نیز می‌تواند بر رفتار کنش‌گران در خصوص مدیریت بدن مؤثر باشد. در همین رابطه یکی از مفاهیمی که می‌تواند توضیح دهنده این مفهوم باشد، مفهوم سرمایه فرهنگی است. سرمایه فرهنگی مفهوم جدیدی است که بررسی و شناخت ابعاد مختلف آن قدمت زیادی ندارد. استفاده کاربردی وسیع از مفهوم سرمایه فرهنگی در نیمه دوم قرن بیستم، در حوزه جامعه‌شناسی معمول شد و به معنی «قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد است» (فکوهی، ۱۳۸۱:۳۰۰ به نقل از ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۱:۱۲۷).

امروزه در ایران نیز شواهد، نشان‌دهنده تغییر فرهنگی و ترجیح بدن لاغر در بین زنان است. همچنین افزایش میزان استفاده از مواد آرایشی و رواج انواع جراحی‌های زیبایی و سبک پوشش متنوع در کشورمان در میان زنان نسبت به سال‌های قبل نشان از افزایش توجه آنها به مدیریت بدن دارد که گاهی با فرهنگ سنتی و مذهبی مادر تضاد است و ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را به چالش می‌کشد.

یزد شهری است که جمعیت آن نسبتاً یکنواخت و فاقد تنوعات چشم‌گیر قومی، زبانی و مذهبی است و از نظر بسیاری از عناصر فرهنگی در زمره شهرهای سنتی و مذهبی ایران قلمداد می‌شود (عسکری ندوشن، عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۸: ۹). اما در سال‌های اخیر با توجه به گسترش دانشگاه‌ها و ورود دانشجویان غیربومی به شهر، جامعه‌پذیری بیشتر جوانان از گروه هم‌سالان خود و افزایش استفاده از وسایل اطلاعاتی و ارتباطی جهانی و شبکه‌های ماهواره‌ای، تا حدودی شاهد تغییرات در افکار، رفتار و سبک زندگی آنان هستیم که از فرهنگ اصیل سنتی خود فاصله گرفته و به سمت و سوی فرهنگ و سبک زندگی غربی گرایش پیدا کرده‌اند. حال با توجه به اهمیت زیاد سرمایه فرهنگی و تأثیرگذاری آن بر ابعاد مختلف سبک زندگی افراد از جمله مدیریت بدن آنها، سؤالات پژوهش حاضر این است که آیا سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن در مادران و دختران تفاوت معناداری دارد؟ و همچنین آیا بین سرمایه فرهنگی و سبک مدیریت بدن آنها رابطه معناداری وجود دارد؟

ادبیات تحقیق

در زمینه مدیریت بدن تحقیقات زیادی صورت گرفته است اما کمتر تحقیقی به تفاوت بین نسلی آن پرداخته است. فاتحی و اخلاصی (۱۳۸۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که زنان توجه زیادی به بدن خود در همه وجوه آن اعم از آرایش، مراقبت و ... دارند و نیز بین متغیرهای مصرف رسانه‌ای، پذیرش اجتماعی بدن و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با مدیریت بدن رابطه مستقیم و معنادار و بین متغیر دینداری با متغیر مدیریت بدن رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.

ابراهیمی و بهنوئی گدنه (۱۳۸۹) نیز نشان می‌دهند که با بالا رفتن سن افراد، میزان اهمیت به مدیریت ظاهر در میان دختران و پسران جوان کاهش می‌یابد. همچنین هرچه میزان سرمایه فرهنگی افراد بیشتر باشد، نحوه مدیریت ظاهر در میان آنها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. از سوی دیگر، الگوی رایج مدیریت ظاهر در میان جوانان، متأثر از نوگرایی و مؤلفه‌های مرتبط با دنیای مدرن است.

همچنین خواجه نوری و همکاران (۱۳۹۰) معتقدند که حساسیت اعضای طبقه بالا نسبت به بدن خود بیش از سایر طبقات بوده است و پاسخ‌گویانی که منزلت شغلی بالاتری دارند، نسبت به بدن خود حساسیت کمتری دارند. نتایج تحقیق ایشان نشان می‌دهد که درآمد و تحصیلات والدین با تصور بدن پاسخ‌گویان دارای رابطه معنادار مثبتی است. همچنین با افزایش فرزندان، حساسیت زنان نسبت به بدنشان، افزایش می‌یابد و توجه بیشتری به آن می‌کنند. دیگر نتایج این تحقیق بیانگر آن است که در میان سبک‌های مختلف (مذهبی، فراغتی، مشارکتی، مدرن موسیقی) تنها سبک مذهبی

با متغیر تصور بدن، رابطه‌ای منفی داشته اما دیگر سبک‌ها دارای رابطه مثبت با آن بوده‌اند و نیز سبک‌های زندگی که بیشتر گرایش‌های نوگرایانه داشته‌اند، رابطه معنادار مثبتی با متغیر تصور بدن دارند.

یافته‌های ادیبی سده و همکاران (۱۳۹۰) در شهر تبریز نیز نشان از سطح متوسط رو به پایین مدیریت بدن در میان زنان و همبستگی معنادار آن با متغیرهای مقایسه اجتماعی بدن، گروه‌های مرجع، سرمایه فرهنگی، اقتصادی و تحصیلات داشته است که این متغیرها توانسته‌اند تا ۳۷ درصد از واریانس مدیریت بدن را تبیین کنند.

ابراهیمی و ضیاءپور (۱۳۹۱) نیز بیان می‌کنند که هرچه میزان سرمایه فرهنگی افزایش یابد، میزان توجه به مدیریت بدن نیز افزایش می‌یابد. بیشترین تأثیر سرمایه فرهنگی بر روی ابعاد مدیریت بدن به ترتیب شامل جراحی زیبایی و رژیم‌های لاغری و کمترین تأثیر بر روی آرایش (بدن) صورت و لباس‌های اندامی است. همچنین بیشترین تأثیر از میان سه بعد سرمایه فرهنگی با مدیریت بدن از آن بعد عینی است.

حیدرخانی و همکاران (۱۳۹۲) نیز با بررسی و تحلیل رابطه ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی، پایگاه اقتصادی، سن و وضعیت تأهل با مدیریت بدن زنان به این نتیجه رسیدند که به جز سن، بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر مدیریت بدن رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

محققان خارجی نیز پژوهش‌های متعددی درباره جامعه‌شناسی بدن و مدیریت آن انجام داده‌اند، از جمله گلنزر (۱۹۹۲) معتقد است که زنان نسبت به مردان به تصویر بدنی خود حساس‌ترند که البته این وضعیت در شرایط و فرهنگ‌ها و نژادهای

گوناگون یکسان است و هر فرهنگی ایده‌های خاص خود را در رابطه با زیبایی دارد که البته این ایده‌آل‌ها در طول زمان تغییر می‌کنند.

ترنر نیز معتقد است که بدن نقش واسطی بین مصرف و هویت فرد ایفا می‌کند و به مکان اصلی نمایش تفاوت‌ها تبدیل گردیده است. به زعم ترنر فرهنگ مصرفی منابع فرهنگی و نمادین بسیاری را برای مدسازی شخصی در اختیار افراد قرار می‌دهد که بدن برای آنها اهمیت دارد (ترنر، ۱۹۹۶ به نقل از ذکایی، ۱۳۸۶:۱۲۳).

راد^۱ و لنون^۲ (۲۰۰۰) نشان می‌دهند که زیبایی در تمامی فرهنگ‌ها یک ارزش محسوب می‌شود. آنان در نتایج خود دریافتند که زنان خیلی سریع یاد می‌گیرند که ظاهر خود را برای رسیدن به ایده‌آل‌های فرهنگی مدیریت کنند که نوعاً شامل تنظیم وزن و تمیز نگه داشتن بدن برای برآوردن هنجارهای مورد انتظار است.

تریگمن^۳ و همکارش (۲۰۰۳) نیز که در پژوهش خود به مقایسه زنان دو کشور استرالیا و استونی پرداخته‌اند، معتقدند که زنانی که کمتر تحت تأثیر نفوذ فرهنگ غربی و آمریکایی بوده‌اند، کمتر از نارضایتی از بدنشان رنج می‌برند. همچنین نتایج آنها نشان می‌دهد که زنان بیشتر از مردان خود را سنگین تر تصور می‌کنند و گرایش به لاغر شدن دارند.

همچنین گروث و دیگران (۲۰۰۹) با بررسی تعاملات بین ابعاد مختلف اجتماعی-اقتصادی و تفاوت‌های جنسیتی با چاقی در میان زنان و مردان دانمارک نشان داده‌اند

1. Rudd.

2. Lennon.

3. Trighman

که آموزش ثابت ترین ارتباط را با شاخص توده بدنی و چاقی داشت که حاکی از اهمیت سرمایه فرهنگی در وضعیت وزنی است (حیدرخانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۸).

همان گونه که مشاهده گردید در اکثر تحقیقات مذکور، به بررسی رابطه عوامل مختلفی چون سن، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سرمایه فرهنگی، دینداری، تحصیلات و ... بر روی مدیریت بدن پرداخته شده که نتایج حاصله نشان از رابطه مثبت و معنادار مدیریت بدن با متغیرهایی چون سرمایه فرهنگی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و تحصیلات و رابطه منفی آن با سن و دینداری دارد. در اکثر تحقیقات زنان نسبت به مردان توجه بیشتری به مدیریت بدن خود دارند که به نظر می رسد برخاسته از هنجارهای مورد انتظار جامعه باشد. در تحقیق حاضر نیز به بررسی تفاوت مدیریت بدن دو نسل مادران و دختران و رابطه سرمایه فرهنگی با آن پرداخته شده است.

پیشینه نظری و تجربی

بورديو (۱۹۸۴) در کتاب تمایز، نوعی جامعه‌شناسی سلیقه را مطرح می کند و بر نقش زمینه‌ها و عوامل اجتماعی در شکل‌گیری ذائقه‌های زیبایی‌شناختی تأکید می کند. او همچنین به نقش هویت‌بخش سبک زندگی اشاره کرده و آن را ابزاری برای نشان دادن تمایز اجتماعی می داند. چرا که افراد بر حسب ترکیب نوع و حجم سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی در موقعیت‌های متفاوتی قرار می گیرند. به عبارتی هر طبقه لباس خاصی می پوشد، نوشیدنی خاص خود را دارد، اوقات فراغت و ورزش متفاوتی دارد که در نهایت سبک زندگی خاص همان طبقه را رقم می زند (Bourdieu, 1984). اما در میان انواع سرمایه، سرمایه فرهنگی نقش مهم تری در اندیشه بورديو دارد و

جامعه‌شناسی مصرف و تحلیل او درباره سبک زندگی بر همین نوع سرمایه متکی است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۸).

بورديو هدف مدیریت بدن را اکتساب منزلت، تمایز و پایگاه می‌داند. وی در تحلیل خود از بدن، به کالایی شدن آن در جوامع مدرن اشاره می‌کند که به صورت سرمایه فیزیکی ظاهر می‌گردد که دربردارنده منزلت اجتماعی و اشکال نمادین تمایز است (Shilling, 1993:127). بنابراین از آن جا که سرمایه فرهنگی، قریحه فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سبب می‌شود که قریحه‌هایی متفاوت در میان افراد شکل بگیرد. بر این اساس، ابعاد مختلف سبک زندگی از جمله مدیریت بدن نیز در نظر بورديو پیامد قریحه‌ها است.

از سوی دیگر، مسأله اصلی نسل‌ها از نظر بورديو، توزیع نابرابر سرمایه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه قدرت و ثروت، بین نسل‌ها در میدان‌های مختلف است که سرچشمه تعارضات مشاهده شده دیگر از جمله تعارضات فرهنگی میان آنها است (بورديو، ۱۳۸۰: ۵۱ به نقل از توکل و قاضی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۸). از آن جا که نسل جدیدتر نسبت به نسل قدیم، دسترسی بیشتری به امکانات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و ... دارند و میزان سرمایه‌های جوانان خصوصاً سرمایه فرهنگی آنان تفاوت قابل ملاحظه‌ای نموده است، بنابراین این تفاوت سرمایه به گفته بورديو موجب شکل‌گیری قریحه‌هایی متفاوت در میان افراد شده و بر تمامی ابعاد سبک - زندگی آنها تأثیر می‌گذارد و باعث به وجود آمدن تفاوت‌های نسلی در جامعه می‌گردد.

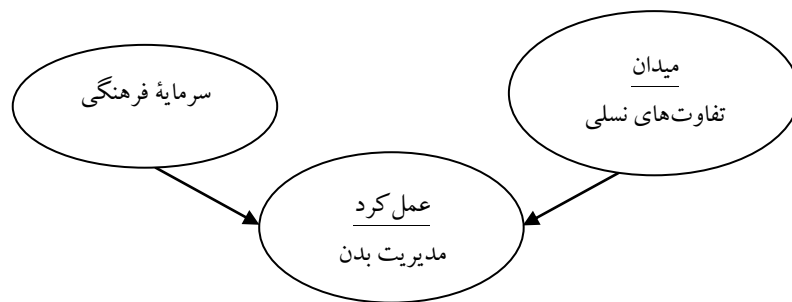
همچنین اینگلهارت صنعتی شدن و مدرنیزاسیون را دو مفهوم کلیدی در تغییرات اجتماعی به طور اعم و تغییرات ارزشی به طور اخص دانسته و معتقد است رشد سطوح توسعه اقتصادی، سطوح بالاتر آموزش و اشاعه رسانه‌های جمعی منجر به تغییر در مهم‌ترین ارزش‌ها می‌شود (فراری^۱، ۲۰۰۰). به نقل از زارع و اصل روستا، (۱۳۸۴: ۸۱). وی به این نکته نیز اشاره دارد که تفاوت‌های دیرپا در یادگیری‌های فرهنگی، نقش مهمی در نحوه رفتار و تفکر مردم ایفا می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱۶). او همچنین فرضیه اجتماعی شدن را درباره عوامل مؤثر بر شکاف نسلی در دهه ۶۰ جامعه اروپایی و دگرگونی ارزش‌ها و جایگزینی ارزش‌های فرامادی به جای مادی را در میان نسل جوان مطرح می‌کند و اصل این فرضیه را بر این قرار می‌دهد که ارزش‌های اساسی فرد به شکل گسترده، منعکس کننده شرایطی است که طی سال‌های قبل از بلوغ فرد فراهم شده است. علاوه بر این، او معتقد است که وقتی دگرگونی فرهنگی مهمی رخ می‌دهد، به تفاوت‌هایی در میان نسل‌ها می‌انجامد. زیرا این دگرگونی در میان گروه‌های جوان‌تر که نیازی به غلبه بر مقاومت متناقض اولیه ندارند با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد تا در میان گروه‌های بزرگ‌تر (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۰) که این امر خود موجب تفاوت‌های نسلی در جامعه می‌گردد.

مدل نظری تحقیق

در تحقیق حاضر، به بررسی تأثیر تفاوت نسلی بر منش و عمل کرد و در نتیجه مدیریت بدن در افراد پرداخته می‌شود و فرضیه اصلی مقاله حاضر این است که تغییرات نسلی هم به صورت مستقیم و هم با تأثیر بر سرمایه فرهنگی موجب تغییر

1. Ferrari.

سبک مدیریت بدن زنان گردیده است. بر این اساس، مدل دیاگرام مطالعه حاضر بر اساس نظریه بوردیو و اینگلهارت را به شکل زیر می‌توان ترسیم نمود:



شکل ۱: مدل نظری تحقیق

فرضیه‌ها

- فرضیه اول:** بین مدیریت بدن مادران و دختران تفاوت معناداری وجود دارد.
- فرضیه دوم:** بین سرمایه فرهنگی مادران و دختران تفاوت معناداری وجود دارد.
- فرضیه سوم:** بین سرمایه فرهنگی و سبک مدیریت بدن مادران و دختران رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش، پیمایشی و ابزار مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق ساخته است. پرسش‌نامه مذکور حاوی اطلاعات مربوط به متغیرهای زمینه‌ای و اطلاعات مرتبط با شاخص‌های تعریف شده برای متغیرهای مورد توجه در فرضیه‌ها

است. جامعه آماری تحقیق حاضر نیز زنان متأهل و دختران مجرد ۱۵ سال به بالای آنها در شهر یزد است که طبق آمار سال ۱۳۹۰ تعداد زنان ۷۵-۱۵ سال در شهر یزد ۳۸۹,۵۷۳ نفر بوده که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد شده است. از ۱۹۲ مادر که دارای دختر مجرد بالای ۱۵ سال بودند، خواسته شد تا خودشان و دخترشان پرسش‌نامه را تکمیل نمایند.

روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای دو مرحله‌ای (تصادفی و سیستماتیک) بوده است. به این صورت که در مرحله اول بلوک‌های شهری به عنوان خوشه در نظر گرفته شد و از بین این خوشه‌ها، تعدادی از آنها به روش تصادفی انتخاب گردیدند و در مرحله دوم در داخل بلوک‌ها به روش سیستماتیک نمونه‌ها انتخاب شدند. در این بین، از بین اعداد یک تا نه به تصادف عدد ۴ انتخاب گردید و عدد واسط با توجه به متوسط تعداد خانواده‌ها در هر بلوک، عدد ده انتخاب گردید. بنابراین در هر بلوک ابتدا در خانه چهارم و سپس چهاردهم و بیست و چهارم و ... در صورت داشتن دختر مجرد بالای ۱۵ سال پرسش‌نامه تکمیل گردید.

تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

مدیریت بدن: مدیریت بدن به معنای نظارت و دست‌کاری مستمر ویژگی‌های ظاهری و مرئی بدن است. نمای ظاهری بدن مشتمل بر همه ویژگی‌های سطحی پیکر می‌شود از جمله طرز پوشش و آرایش که برای خود و برای افراد دیگر قابل رؤیت است و به طور معمول آنها را به عنوان نشانه‌هایی برای تفسیر کنش‌ها به کار می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۴۴). این مفهوم به کمک معرف‌های کنترل وزن (از طریق ورزش،

رژیم غذایی و دارو)، دست‌کاری پزشکی (جراحی بینی و پلاستیک) و میزان اهمیت دادن به مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی (استحمام روزانه، آرایش مو، آرایش یا اصلاح صورت، استفاده از عطر، ادوکلن و دئودورانت زیر بغل، آرایش ناخن و لنز رنگی برای خانم‌ها) و نوع پوشش (لباس‌های بدن نما) به یک شاخص اساسی تبدیل شده است (آزادارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۲:۶۴).

در تحقیق حاضر، مقیاس مدیریت بدن شامل ۱۸ گویه است که در سه بعد کنترل وزن و تناسب اندام، مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی و سبک پوشش با استفاده از طیف لیکرت سنجیده شده‌اند که جهت طیف به این شکل تنظیم گردیده است: همیشه (۵) امتیاز، بیشتر مواقع (۴) امتیاز، گاهی اوقات (۳) امتیاز، به ندرت (۲) امتیاز و هرگز (۱) امتیاز. همچنین با استفاده از نمرات نهایی الگوی مدیریت بدن افراد بر اساس نظریهٔ بوردو به ۵ دستهٔ خیلی مدرن، مدرن، میانه‌رو، سنتی، خیلی سنتی تقسیم‌بندی شده است.

نسل: نسل در جمعیت‌شناسی به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند. گروهی که در یک زمان فارغ التحصیل می‌شوند، گروهی که در یک زمان بالنسبه نزدیک به هم به دنیا آمده یا ازدواج کرده‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۵:۱۰۷). در این تحقیق، منظور از نسل، دو نسل مادران و دختران مجرد ایشان هستند که به صورت صفر و یک از یکدیگر تفکیک شده‌اند.

سرمایه فرهنگی: در این تحقیق، نقش متغیر مستقل را دارد که در نظر بوردیو، به

تمرکز و انباشت انواع مختلف کالاهای ملموس فرهنگی و نیز قدرت و توانایی در اختیار گرفتن این کالاها و همچنین استعداد و ظرفیت فرد در شناخت و کاربرد این وسایل گفته می‌شود. سرمایه فرهنگی به سه بعد تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه شده تفکیک شده است. گویه‌های سنجش الگوی مدیریت بدن و سرمایه فرهنگی و ابعاد آنها و میزان پایایی در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: گویه‌ها و معرف‌ها و ضریب پایایی ابعاد متغیرهای مستقل و وابسته

مفهوم	ابعاد	گویه‌ها	آلفای کرونباخ	آلفای کل
کنترل وزن و تناسب اندام	رقصیدن و انجام حرکات ایروبیکیک، ورزش، پیاده‌روی، توجه به میزان کالری مصرفی، رژیم‌های غذایی و داروهای رژیمی	۰/۶۸	۰/۶۸	
		۰/۸۶	۰/۷۷	
مدیریت بدن	مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی و زیبایی	آرایش مو، آرایش یا اصلاح صورت، آرایش ناخن، استفاده از عطر و دئودرانت، استحمام روزانه و استفاده از لنز و جراحی پلاستیک	۰/۸۱	۰/۸۱
	سبک پوشش	پوشیدن مانتوهای مانکنی، کفش‌های پاشنه‌بلند، شلوارهای جین، مانتوهای گشاد یا بلند و پوشیدن چادر		

آیا در منزل (پدري) شما اقلام، وسايل و امكانات زير وجود دارند؟ (تابلوهاي نقاشي و خوشنويسي هنرمندان، مجسمه-هاي هنري و گرانها، قابهاي زرکوب، عتيقه‌جات، صنايع دستي، کتابخانه شخصی با بيش از ۵۰ جلد کتاب، ساز و آلات موسيقي، کامپيوتر و اينترنت، دوربين)	عينيت يافته	۰/۶۶	سرمایه فرهنگی
تا چه حد در زمينه‌هاي زير مهارت و آشنائي داريد؟ (موسيقي، عكاسي، خطاطي و يا نقاشي، ورزش، زبان‌هاي خارجي)	تجسم يافته	۰/۶۱	

يافته‌هاي توصيفي

بر اساس يافته‌هاي پژوهش حاضر، ميانه‌گين سن دختران ۲۱/۶ سال و ميانه‌گين سن مادران ۴۶ سال بوده و ۸۵/۵ درصد مادران و ۹۸/۵ درصد دختران متولد شهر و ۱۴/۵ درصد مادران و ۱/۵ درصد دختران متولد روستا هستند. اكثر پاسخ‌گويان (۸۶/۵ درصد) در منزل شخصي زندگي مي‌کنند و ۳۸ درصد داراي درآمد بين ۵۰۰ هزار تا يك ميليون تومان هستند. اكثر مادران (۳۳/۶) و دختران (۳۵/۶) از پياده‌روي براي کنترل وزن خود استفاده مي‌کنند.

در جدول شماره ۲، مقايسه داده‌ها نشان مي‌دهد که دختران براي کنترل وزن خود بيشتر از تلفيق سبک ستي و مدرن استفاده مي‌کنند اما بيشتر مادران از سبک خيلي

سنتی استفاده می کنند و گرایش آنها به سبک مدرن بسیار کم است.

جدول ۲: توزیع پاسخ گویان بر حسب الگوی کنترل وزن

کنترل وزن

متغیرها	دختران		مادران	
	درصد فراوانی	درصد	درصد فراوانی	درصد
خیلی سنتی	۳۸	۱۹/۴	۷۲	۳۶/۴
سنتی	۷۱	۳۶/۲	۶۸	۳۴/۳
میانمایه	۷۲	۳۶/۷	۴۷	۲۳/۷
مدرن	۱۵	۷/۷	۹	۴/۵
خیلی مدرن	-	-	۲	۱
جمع	۱۹۶	۱۰۰	۱۹۸	۱۰۰

درباره مراقبت های بهداشتی و آرایشی، بیشترین تفاوت در استفاده از عطر و دئودرانت در میان مادران (۴۵ درصد) و دختران (۷۷ درصد) است که نشان از تفاوت بالای آنها دارد. البته تمامی داده ها نشان از توجه بیشتر دختران به مراقبت های بهداشتی و آرایشی نسبت به مادران داشت. همچنین تنها ۶/۷ درصد دختران و ۱/۶ درصد مادران جراحی زیبایی و پلاستیک بینی یا گونه و یا لیپوساکشن داشته اند که بیانگر تفاوت قابل ملاحظه بین دختران و مادران نیست.

مقایسه داده ها در جدول شماره ۳ نشان می دهد که اکثر دختران (۴۵/۹ درصد) در

مراقبت‌های آرایشی و بهداشتی خود بیشتر تلفیقی از سبک سنتی و مدرن را استفاده می‌کنند و گرایش به سبک مدرن دارند. اما بیشتر مادران (۴۸/۹ درصد) از سبک سنتی استفاده می‌کنند.

جدول ۳- توزیع پاسخ‌گویان بر حسب الگوی مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی

مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی

متغیرها	دختران		مادران		جمع
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
خیلی سنتی	۳/۶	۳۲	۱۷/۲	۱۷/۲	۱۷/۲
سنتی	۲۱/۱	۹۱	۴۸/۹	۶۶/۱	۶۶/۱
میانمایه	۴۵/۹	۵۰	۲۶/۹	۹۳	۹۳
مدرن	۲۲/۷	۱۲	۶/۵	۹۹/۵	۹۹/۵
خیلی مدرن	۶/۷	۱	۰/۵	۱۰۰	۱۰۰
جمع	۱۰۰	۱۸۶	۱۰۰	-	-

در رابطه با سبک پوشش پاسخ‌گویان، اکثریت دختران (۸۰/۴ درصد) از شلواری‌های جین و کمترین آنها (۸ درصد) از مانتوهای بلند و گشاد استفاده می‌کنند و اکثریت مادران (۶۸/۷ درصد) چادر و کمتر (۸/۱ درصد) مانتوهای مانکنی می‌پوشند.

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که بیشتر دختران (۳۶/۷ درصد) پوشش خود را به سبک مدرن انتخاب می‌کنند اما بیشتر مادران (۵۴/۱ درصد) پوششی خیلی سنتی دارند

و گرایش آنها به سبک مدرن بسیار کم است.

جدول ۴- توزیع پاسخ گویان بر حسب الگوی پوشش

پوشش

متغیرها	مادران		دختران		جمع
	درصد فراوانی	درصد	فراوانی	درصد فراوانی	
خیلی سنتی	۵	۵۴/۱	۱۰۶	۲/۵	۵۴/۱
سنتی	۳۳	۲۲/۴	۴۴	۱۹/۱	۷۶/۵
میانمایه	۵۲	۱۳/۳	۲۶	۴۵/۲	۸۹/۸
مدرن	۷۳	۸/۷	۱۷	۸۱/۹	۹۸/۵
خیلی مدرن	۳۶	۱/۵	۳	۱۰۰	۱۰۰
جمع	۱۹۹	۱۰۰	۱۹۶	-	-

یافته‌های جدول زیر نشان می‌دهد که بیشتر دختران (۵۰/۸ درصد) در مدیریت بدن خود به صورت تلفیقی بر اساس سنت و مدرن عمل می‌کنند، در حالی که اکثر مادران (۴۹/۲ درصد) به صورت سنتی عمل می‌کنند.

جدول ۵- توزیع پاسخ‌گویان بر حسب الگوی مدیریت بدن

مدیریت بدن						متغیرها
مادران		دختران				
درصد فراوانی تجمعی	درصد	فراوانی	درصد فراوانی تجمعی	درصد	فراوانی	
۲۴/۹	۲۴/۹	۴۵	۰/۵	۰/۵	۱	خیلی سستی
۷۴	۴۹/۲	۸۹	۲۶/۲	۲۵/۷	۴۹	سستی
۹۵/۶	۲۱/۵	۳۹	۷۷	۵۰/۸	۹۷	میانمایه
۹۹/۴	۳/۹	۷	۱۰۰	۲۳	۴۴	مدرن
۱۰۰	۰/۶	۱	-	-	-	خیلی مدرن
-	۱۰۰	۱۸۱	-	۱۰۰	۱۹۱	جمع

توزیع پاسخ‌گویان بر اساس سرمایه فرهنگی عینیت یافته که شامل اشیاء فرهنگی است، بیانگر افزایش میزان دسترسی نسل جدید به لوازم و ابزارهای فرهنگی است. دختران در تمام شاخص‌های سرمایه فرهنگی تجسم یافته نیز که بوردیو این نوع سرمایه را شامل مجموعه قابلیت‌ها، دانایی‌های ذهنی و مهارت‌های علمی و رفتاری می‌داند (بوردیو، ۱۹۸۶)، نمرات بالاتری کسب کرده‌اند. این امر نشان از مهارت‌های فرهنگی بیشتر دختران نسبت به مادران دارد. همچنین غالب دختران (۴۱/۷ درصد) دارای تحصیلات لیسانس هستند و اکثر مادران تحصیلات دیپلم (۳۴/۴ درصد) دارند. در این بین، اکثر والدین دختران سطح تحصیلات بالاتری نسبت به والدین مادران

دارند که نشان از افزایش میزان تحصیلات در طی سال‌های اخیر است.

وضعیت سرمایه فرهنگی پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که اکثر دختران (۷۸/۵ درصد) دارای سرمایه فرهنگی متوسط و غالب مادران (۷۱/۳ درصد) دارای سرمایه فرهنگی پایینی هستند. در نهایت، میزان سرمایه فرهنگی کل در مادران کمتر از دختران است.

نتیجه آزمون تی مستقل در جدول زیر نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ بین میانگین شاخص‌های مدیریت بدن در بین مادران و دختران وجود دارد. به طوری که دختران در تمام شاخص‌ها نمرات بالاتری داشته‌اند. به این ترتیب می‌توان گفت که کنترل وزن، مراقبت‌های بهداشتی، آرایشی و پوشش و به شکل کلی، مدیریت بدن در دختران به گروه مدرن نزدیک‌تر است.

جدول ۶: آزمون t مستقل جهت سنجش تفاوت مدیریت بدن در دختران و مادران

شاخص	ابعاد	میانگین (بین ۱۰۰-۰)		مقدار t	sig
		مادران	دختران		
مدیریت بدن	کنترل وزن	۳۷/۶	۳۰/۶	۴/۲	۰/۰۰
	مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی و زیبایی	۵۴/۱	۳۶/۴	۱۰/۲	۰/۰۰
	پوشش	۶۳/۱	۲۷/۴	۱۶/۳	۰/۰۰
	کل	۵۱/۲	۳۲/۱	۱۲/۹	۰/۰۰

نتیجه آزمون t مستقل در جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که میانگین سرمایه فرهنگی در دختران بیش از مادران است. همچنین نتایج روشن می‌کند که تفاوت معناداری بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته ($t=7/3$; $Sig=0/000$)، تجسم یافته ($t=12/7$; $Sig=0/000$) و نهادینه شده ($t=13/1$; $Sig=0/000$) مادران و دختران وجود دارد و بین سرمایه فرهنگی کل آنها ($t=14/4$; $Sig=0/000$) نیز در سطح ۰/۰۵ تفاوت معنی داری مشاهده گردید.

جدول ۷- آزمون t مستقل جهت سنجش تفاوت سرمایه فرهنگی در دختران و مادران

شاخص	ابعاد	میانگین		مقدار تی	sig
		(بین ۱۰۰-۰)			
		مادران	دختران		
سرمایه فرهنگی	سرمایه فرهنگی عینیت یافته	۲۷/۱	۴۶/۶	۷/۳	۰/۰۰
	سرمایه فرهنگی تجسم یافته	۱۷/۳	۵۰/۸	۱۲/۷	۰/۰۰
	سرمایه فرهنگی نهادینه شده	۲۸	۴۸/۷	۱۳/۱	۰/۰۰
	سرمایه فرهنگی کل	۲۶/۴	۴۸/۶	۱۴/۴	۰/۰۰

نتیجه آزمون پیرسون در جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که همبستگی مثبت و معناداری بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته و مدیریت بدن دختران ($r=0/260$; $p=0/000$) و مادران ($r=0/348$; $p=0/000$) وجود دارد. همچنین بین سرمایه فرهنگی تجسم یافته و مدیریت بدن در دختران ($r=-0/323$; $p=0/000$) و مادران ($r=0/521$; $p=0/000$) و بین سرمایه فرهنگی نهادینه شده و مدیریت بدن در دختران ($r=-0/20$; $p=0/784$) همبستگی معناداری وجود ندارد. در حالی که بین سرمایه فرهنگی نهادینه شده و مدیریت بدن مادران ($r=-0/397$; $p=0/000$) همبستگی معناداری مشاهده می‌شود.

علاوه بر این، داده‌ها نشان می‌دهد که همبستگی مثبت و معنی‌داری بین سرمایه فرهنگی کل و مدیریت بدن دختران ($r=0/191$; $p=0/011$) و مادران ($r=0/488$; $p=0/0004$) وجود دارد. بنابراین با افزایش سرمایه فرهنگی، میزان توجه مادران و دختران به مدیریت بدن خود افزایش یافته و به الگوی مدرن‌تر نزدیک می‌گردد.

جدول ۸: آزمون همبستگی پیرسون بین مدیریت بدن و سرمایه فرهنگی

مادران		دختران		متغیرها	متغیر وابسته	متغیر مستقل
sig	r	sig	r			
0/002	0/223	0/016	0/174	کنترل وزن		
0/00	0/421	0/007	0/196	مراقبت‌های بهداشتی و آرایش و زیبایی	سرمایه فرهنگی	
0/001	0/231	0/002	0/223	پوشش	عینیت یافته	
0/00	0/348	0/00	0/260	کل		
0/00	0/350	0/00	0/260	کنترل وزن		
0/00	0/458	0/00	0/260	مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی و زیبایی	سرمایه فرهنگی	
0/00	0/423	0/007	0/192	پوشش	تجسم یافته	
0/00	0/521	0/00	0/323	کل		
0/002	0/224	0/851	0/014	کنترل وزن		مدیریت بدن
0/000	0/425	0/728	0/026	مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی و زیبایی	سرمایه فرهنگی	
0/000	0/340	0/470	0/052	پوشش	نهادینه شده	
0/000	0/397	0/784	0/020	کل		
0/000	0/292	0/094	0/124	کنترل وزن		
0/000	0/512	0/027	0/165	مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی و زیبایی	سرمایه فرهنگی	
0/000	0/396	0/029	0/160	پوشش	کل	
0/000	0/488	0/011	0/191	کل		

پیش‌بینی کننده‌های مدیریت بدن

به منظور تبیین مدیریت بدن براساس متغیرهای مستقل از رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام^۱ استفاده شد که نتایج نشان می‌دهد دو متغیر نسل و سرمایه فرهنگی با مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰/۶۳۸ و ضریب تعیین برابر ۰/۴۰۳، ۴۰ درصد از تغییرات مدیریت بدن پاسخ‌گویان را تبیین می‌کنند.

جدول ۹- نتایج رگرسیون چند متغیره جهت تبیین واریانس متغیر وابسته

متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده	t	sig	R	Adjusted R Square	F	sig	ضرایب		
									B	Error Std.	Beta
ضریب α	۴۶/۹۰	۳/۹۷۵	-	۱۱/۸۰	۰/۰۰۰						
نسل	-۱۱/۸۹	۱/۷۳۸	-۰/۳۵۲	-۶/۸۴	۰/۰۰۰	۰/۶۳۸	۱۱۸/۹۵	۰/۴۰۳	۰/۰۰۰		
سرمایه فرهنگی	۰/۳۲۹	۰/۰۴۷	۰/۳۶۲	۷/۰۳۹	۰/۰۰۰						

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر یک کوشش تجربی - نظری درباره مقایسه سبک مدیریت بدن در بین دو نسل مادران و دختران است که با توجه به تفاوت سرمایه فرهنگی در میان این دو نسل، تأثیر این عامل مهم نیز بر روی مدیریت بدن آنها با تکیه بر آرا و نظریه‌های

1. stepwise.

صاحب نظرانی چون بوردیو و اینگلهارت بررسی گردید. یافته‌ها بیانگر آن است که بین مدیریت بدن مادران و دختران تفاوت معناداری وجود دارد و دختران در تمام شاخص‌های مدیریت بدن نمرات بالاتری را نسبت به مادران کسب نموده‌اند. به این معنا که دختران نسبت به مادران بیشتر به کنترل وزن و مراقبت‌های بهداشتی - آرایشی و زیبایی خود توجه دارند و از سبک‌های پوشش مدرن‌تری استفاده می‌کنند. این موضوع نظر اینگلهارت، مبنی بر تغییر در مهم‌ترین ارزش‌ها و تفاوت دو نسل را تأیید می‌کند.

مشاهده می‌شود که نسل جدید زنان جامعه ایران، سرمایه فرهنگی بالاتری نسبت به نسل قبل از خود کسب نموده‌اند. نتایج ضرایب همبستگی میان سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن نشان از وجود همبستگی مثبت و معناداری بین سرمایه فرهنگی کل با مدیریت بدن مادران و دختران دارد که تأییدی است بر نظر بوردیو مبنی بر تأثیر سرمایه فرهنگی بر روی ابعاد سبک زندگی و از جمله مدیریت بدن که در تحقیقات حیدرخانی و همکاران (۱۳۹۲)، ادیبی سده و همکاران (۱۳۹۰) و گروث و دیگران (۲۰۰۹) نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

نتایج رگرسیون چندمتغیره جهت تبیین تغییرات مدیریت بدن نشان می‌دهد که دو متغیر نسل و سرمایه فرهنگی توانسته‌اند ۴۰ درصد از تغییرات مدیریت بدن پاسخ‌گویان را تبیین می‌کنند که نسل رابطه‌ای معکوس با مدیریت بدن دارد؛ همان گونه که ابراهیمی و بهنوئی گدنه (۱۳۸۹) و حیدرخانی و همکاران (۱۳۹۲) نیز در مقالات خود به رابطه معکوس سن و مدیریت بدن اشاره نموده‌اند.

همان‌طور که اشاره کردیم، در جوامع امروزی مدیریت بدن اهمیت خاصی یافته است و جامعه ایران نیز در فرایند پیچیده جهانی نمی‌تواند از تغییراتی که در این زمینه به وجود آمده مبرا باشد. به گونه‌ای که در چند دهه اخیر به دلیل رشد تکنولوژی‌های رسانه‌ای و اطلاعاتی، نفوذ فرایند جهانی شدن، تنوع یافتن تولیدات لوازم آرایشی و بهداشتی و پوشش و رواج جراحی‌های زیبایی، الگوهای متنوعی را در عرصه خودآرایی و خودآرایی جوانان ایرانی نسبت به نسل‌های پیشین خود شاهد هستیم. در واقع کنترل بشر بر اندام و بدن خود افزایش یافته است و از آن‌جا که بدن کارکردهای پیچیده‌ای چون خلق هویت و ایجاد تمایز دارد این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به تفاوت‌های دو نسل در شکل‌گیری ارزش‌ها و هنجارهای جدید و گاهی متفاوت از ارزش‌های جامعه لازم است تا آموزش‌های ضروری در مقوله‌های مربوط به استفاده از مراقبت‌های بهداشتی-آرایشی و نیز سبک‌های جدید پوشش در میان نوجوانان و جوانان انجام گیرد و با بالا بردن سطح آگاهی و میزان پابندی به ارزش‌های دینی و ملی و نیز با تقویت فرهنگ ایرانی و اسلامی در میان آنان، از ایجاد انحرافات و مسائل اجتماعی مضر در جامعه جلوگیری شود تا جامعه قادر به حفظ ارزش‌ها و هنجارهای استحکام‌بخش خود گردد. این وظیفه مهم بر عهده خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌های جمعی و دیگر نهادهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی است.

فهرست منابع

- آزاد ارمکی، تقی و چاوشیان، حسن (۱۳۸۲)، «مدیریت بدن به مثابه رسانه هویت». مجله *انجمن جامعه‌شناسی*: ۷۴-۵۷.
- ابراهیمی، قربانعلی و بهنوئی گدنه، عباس (۱۳۸۹)، «سرمایه فرهنگی، مدیریت ظاهر و جوانان». *زن در توسعه و سیاست* (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۳: صص ۱۷۶-۱۵۳.
- ابراهیمی، قربانعلی و ضیاءپور، آرش (۱۳۹۱)، «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر مدیریت بدن (مطالعه تجربی جوانان شهر گیلان غرب)». *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۳، شماره پیاپی ۴۵، بهار: صص ۱۴۸-۱۲۵.
- ادیبی سده، مهدی، علیزاده، مهستی و کمال کوهی (۱۳۹۰)، «تیین جامعه‌شناختی مدیریت بدن در میان زنان». *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، سال ۹، شماره ۳، زمستان: صص ۵۹-۸۴.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، *تحولات فرهنگی در جوامع صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- بوردیو، پیر (۱۳۹۰)، *تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.
- توکل، محمد و قاضی‌نژاد، مریم (۱۳۸۵)، «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره پیاپی ۲۷: صص ۱۲۴-۹۵.
- حیدرخانی، هابیل، حاجی آقایی، لیلا و رحمانی، غلام‌عباس (۱۳۹۲)، «رابطه ابعاد سرمایه فرهنگی و مدیریت بدن در زنان»، فصل‌نامه علمی و پژوهشی *زن و فرهنگ*، سال ۵، شماره ۱۸، زمستان: صص ۶۹-۵۵.

- خواجه نوری، بیژن، روحانی، علی و هاشمی، سمیه (۱۳۹۰)، «رابطه سبک زندگی و تصور بدن: مطالعه موردی زنان شهر شیراز». فصل‌نامه *تحقیقات فرهنگی*، دوره ۴، شماره ۱: صص ۱۰۳-۷۹.
- ذکائی، محمدسعید و پورغلام آرانی، زهرا (۱۳۸۴)، «خرده فرهنگ یا مصرف فرهنگی: پژوهشی در بین دختران دانش آموز شهر تهران». *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۴، پائیز و زمستان: صص ۲۵-۲.
- ذکائی، محمدسعید (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی جوانان*، تهران: آگاه.
- زارع، بیژن و ابوالفضل اصل روستا (۱۳۸۴)، *بررسی ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان درباره معیارهای انتخاب همسر در شهر هشتگرد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیان.
- عسکری ندوشن، عباس، عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۸)، «مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد)». *مطالعات راهبردی زنان* (کتاب زنان)، دوره ۱۱، شماره ۴۴ (مسائل دختران): صص ۳۶-۷.
- فاتحی، ابوالقاسم و اخلاصی، ابراهیم (۱۳۸۷)، «مدیریت بدن و رابطه آن با پذیرش اجتماعی بدن (مطالعه موردی زنان شهر شیراز)». *مطالعه راهبردی زنان* (کتاب زنان)، شماره ۴۱: صص ۴۲-۹.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، نشر صبح صادق.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، مترجم ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- محمدی، سیده عقیده (۱۳۸۶)، «رابطه سبک زندگی و نگرش هویت جنسیتی در بین دو

نسل مادران و دختران». پژوهش نامه رسانه: ویژه سبک زندگی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، شماره ۱۱: صص ۲۹۷-۲۵۷.

- Glazer, Reena.N. (1992). "Woman s Body Image and Law", *Duke Law Journal*, Vol. 43 (1): 113-147.
- Groth. M. V, Fagt. S, Stockmarr.A, matthinessen. J & Biloft-Jensen. A. (2009). "Dimensions of Socioeconomic Position Related to Body Mass index and Obesity Danish Woman and Men". *Scandinavian Journal of Public Health*, 37:418-426
- Rudd, Nancy A. & Lennon, Sharron J. (2000). "Body Image and Appearance Management Behaviors in College Women", *Clothing and Textiles Research Journal*, 18: 152,162.
- Shilling, Chris (1993), *Body and Social Theory*, London, Sage Publication.
- Triggemann, Marika. & Hargreaves, Duana. (2003). "Female thin Ideal Media Image and Boys Attitudes toward Girls", *Sex Roles*, Vol 49, Issue 9-10:539-544.